

وقتی پسرسلطان سلیمان به قزوین آمد

۲۰ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۵۳

شاهزاده بایزید (۱۵۶۱-۱۵۲۵ میلادی) (۹۶۹-۹۳۰ ه ق) پسر سلیمان یکم و خرم سلطان بود. حادثه شورش بایزید علیه پدرش سلیمان و برادرش سلیم یکی از مهمترین حوادث داخلی امپراتوری عثمانی در عصر طلایی آن دانسته می شود.

شاهزاده بایزید (۱۵۶۱-۱۵۲۵ میلادی) (۹۶۹-۹۳۰ ه ق) پسر سلیمان یکم و خرم سلطان بود. حادثه شورش بایزید علیه پدرش سلیمان و برادرش سلیم یکی از مهمترین حوادث داخلی امپراتوری عثمانی در عصر طلایی آن دانسته می شود. همچنین رفتار سلیمان با پسرش بایزید یکی از بزرگترین اشتباه های این سلطان مقتدر عثمانی شناخته می شود.



خرم سلطان

در جنگی که در نزدیک قونیه در گرفت، بایزید شکست خورد و به طرف آماسیه گریخت و برای زدودن خشم پدر نسبت به خود از او تقاضای عفو کرد، اما سلطان به شرطی حاضر به پذیرش عفو او شد که تمامی بزرگان و اطرافیان بایزید به دست او کشته شوند. هر چند بایزید سه تن از اطرافیان خود را سر برید و سر آنها را به نزد سلطان فرستاد، اما نه تنها به کشتن مابقی رضایت نداد، بلکه به تقویت سپاه خود پرداخت و بیش از پیش باعث خشم سلیمان شد.

در نتیجه او همراه با ۴ پسر خود و ۱۰۰۰۰ نفر سرباز و چند تن از امرای خود به ایروان (در کشور ارمنستان کنونی) رفت. حاکم

آنجا شاه قلی سلطان استاجلو بود که از طرف شاه طهماسب حکومت می کرد. او فرستاده‌ای نزد پادشاه ایران فرستاد و ماجرای آمدن بایزید را به اطلاع او رسانید و سپس بایزید را با درخواست پناهندگی به سوی شاه طهماسب اعزام کرد. طهماسب امان نامه‌ای برای بایزید نوشت و دستور داد که بایزید را به قزوین پایتخت صفوی بیاورند.



سلطان سلیمان

قبل از رسیدن بایزید به قزوین، سلطان سلیمان هدایای بسیاری را به دربار ایران فرستاد و از شاه طهماسب خواست که بایزید را به او تسلیم کند. قصد سلطان سلیمان از این سرعت عمل این بود که قبل از رسیدن بایزید به قزوین ذهن شاه طهماسب را نسبت به او بدبین سازد و ظاهراً در این اقدام موفق هم شد. بایزید به قزوین رسید و در ۱۵۵۹ میلادی (۲۱ محرم ۹۶۷ ه ق) با شاه

طهماسب ملاقات کرد. سلطان سلیمان و پسرش سلیم به هر قیمتی بود خواستار استرداد و دست یافتن به بایزید و فرزندان او بودند، اما از طرف دیگر شاه طهماسب مایل به درافتادن و شروع جنگ دیگری با عثمانی بر سر پناه دادن به بایزید نبود.

او سعی کرد میانه را بگیرد و پدر و پسر را آشتی دهد و به همین جهت نامه‌های متعددی بین شاه طهماسب و سلطان سلیمان مبادله شد که در تمامی این نامه‌ها سلیمان با اصرار خواستار تسلیم بایزید شده بود. همچنین برطبق صلح آماسیه، پناهندگان بایست به کشور خود عودت داده می‌شدند. سرانجام شاه طهماسب خود را ناگزیر دید که برای اجتناب از خطر درگیری با قوای عثمانی، پناهنده خود را تسلیم کند. شاه طهماسب برای استرداد بایزید به سلطان سلیمان قانونی جواب مثبت داد و در نامه‌ای در مقابل تسلیم بایزید ۹۰۰'۰۰۰ سکه طلا از جانب سلطان سلیمان و ۳۰۰'۰۰۰ سکه طلا هم از جانب سلیم درخواست نمود.



شاهزاده بایزید در کنار پدرش سلیمان قانونی

سرانجام برای پس گرفتن بایزید، خسرو پاشا به همراه ۲۰۰ نفر مأمور عثمانی در ۱۵۶۲ میلادی (۱۴ ماه ذیقعه ۹۶۹ ه ق) وارد قزوین شدند. به دستور شاه طهماسب یک هفته بعد در ۲۱ ماه ذیقعه بایزید تسلیم یکی از معتمدین شاهزاده سلیم شد و او بنا به فرمانی که از سلیم داشت، بلافاصله او را با طناب به قتل رساند. بعد از قتل شاهزاده بایزید چهار پسرش اورخان، عثمان، عبدالله و محمود نیز به سرنوشت پدرشان دچار شدند و به قتل رسیدند. با وجود دشمنی مذهبی که بین ایرانیان و عثمانی‌ها بود،

اهالی قزوین از اقدام به چنین کاری سخت متنفر شدند و فرستادگان سلطان را در هر کجا می‌دیدند، برایشان سنگ پرتاب می‌نمودند.



مقبره شاهزادگان در سیواس

بعدها جنازه‌های این پنج شاهزاده عثمانی را به سیواس بردند و در بیرون باروی آن شهر به خاک سپردند. پنجمین و کوچکترین پسر بایزید نیز که سه ساله و در بورسه بود، به قتل رسید. پس از قتل بایزید، برای طهماسب مقداری کمتر از آنچه وعده داده شده بود، یعنی ۵۰۰'۰۰۰ سکه طلا فلوری همراه هدایایی گران قیمت، فرستاده شد.

منبع: سیمرغ

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۷۹۳/آمد-قزوین-سلیمان-پسر-سلطان-وقتی>